نظر به جنس ای مصادیق حمد؛ تفاوت قید احترازی و توضیحی در فقره «بالحمد الذي ارتضاه لخلقه»

علی ای حال وقتی به مصادیق آمد، حامدین جور و واجور حمد می‌کنند. حامدی هست که نمل صغار و امثال آن در آن هست. اینجا لذا می‌گوییم جمله‌ی «نحمده بالحمد» ناظر به کدام است. «نحمده بالحمد»ای که خداوند با حمد کاری کرده، آن کار نمی‌تواند غیر از جنس حمد باشد. اگر خدا یک کاری با حمد می‌کند...؛ مثل «جعل الحمد مفاتحا»، اینجا هم «ارتضاه لخلقه» است؛ خدا حمد مخلوقین را راضی است. راضی است، یعنی خدا نظر به حمد کرده و برای خلق راضی شده است. اینجا حضرت علیه السلام کار با جنس دارند. کاری با حامدها ندارد که به چه درجه‌ای است. اما اگر تأکید روی «نحمده» باشد، یعنی الآن محور سخن حضرت علیه السلام روی حامد است، نه کاری که خداوند با حمد کرده است. کاری که الآن ما می‌کنیم. اینجا وقتی صحبت سر حامد است، قید احترازی می‌شود. «نحمد»، اما نه «نحمد»ی که لا یلیق بجنابه. «نحمده بالحمد الذی ارتضاه لخلقه».

شاگرد: با «اوجب علی نفسه» جور در می‌آید؟

استاد: بله؛ نکته‌ی خوبی است. «اوجب» می‌رساند که کاری با جنس ندارم. قبول باید از کسی صادر شود. آن هم باز مانعی ندارد. یعنی ریخت حمد، اقتضاء این را داشته است که خداوند راضی شود که بیاید. چرا؟؛ چون ریخت حمد مفاتح است. آن خطبه هم همینطور است. فرمایش شما هم آنجا می‌آید. «مفاتحا لذکره و سببا للمزید من فضله»، این برای خود حامد است، ولی برای جنس است. این جنس این کار ازش می‌آید. قرینه‌ای که اینشان می‌گویند درعین‌حال برای اظهریت خوب است.

بازبینی #2
ایجاد شده 28 ژانویه 2024 14:07:16 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 09:56:51 توسط ... .